

اصول تحقیقات در تعیین قوم و منشأ آریا

و اینکه ملل اروپا چطور خود را بآن نسبت میدهند؟

ترجمه از مجله فکر بقلم Georges poisson
رئیس انجمن تحقیقات ما قبل تاریخ فرانسه

مترجم جناب محمد قدیر خان
تره کی

از کلمه آریا میتوان معانی مختلفی بیرون آورد؛ اگر به مفهوم عمومی او عطف توجه بنمائیم مجبوریم بگوئیم آریا قومی است که از سینه آن اقوامی بیرون آمده که اکنون با السنه مشابه و قریب بهم در تمام حصص و نقاط اروپا و اکثری از قسمت های آسیا تکلم میکنند اما اگر بنا باشد به معنی خاص آن استناد گردد در آن صورت مجبوریم بگوئیم این نام بهمان يك پارچه خاکی از آسیا اطلاق می شود که رابطه قوم آریا بدان بیشتر است و این قطعه خاک اقوامی را از قبیل ارمنی ها، ایرانی ها و اقوام مختلفه هند و امثالهم دربر میگیرد؛ ازین جا است که علی الرغم افکار علمائیکه منکر وجود آریا اند میتوانیم از نقطه نظر تاریخ کلمه «آری» را بزبان بیاوریم چونکه آثار باقیه که از قوم آریا از قبیل عنعنه ها و وثائق تاریخ و غیره باقیانده بی شباهت با حالات امروزه اقوام مذکور است چه حکمدار بزرگ ایران (دارا) که در حدود ۵۲۰ قبل از میلاد میزیست در یکی از محکوکات خود خودش را از عرق آری می شمارد و معبودی را که در آن وقت میپرستیدند (آهورامزدا) یعنی معبود آری ها می گفتند و آوستا که کتاب مذهبی ایرانیهای قدیم است کهوازه اجداد ایرانیها را «Airyan Emvaejo» و یونانیها در حوالی ایران کنونی قومی را می شناختند و نام میبردند که موسوم به Arioi بود و هم چنان بعضی از قطعاتی را هم در آن اطراف بنام Aria و Ariana یاد میکردند

کلمه Eran که در زبان پهلوی تلفظ کرده میشد با کلمه Erani که در زبان فارسی قدیم تکلم میکردید و کلمه Edan و Iran که در زبان فارسی دری (زبان کنونی) بادی می شود همه و همه از یک ریشه میباشد؛ اهالی و اقوامی را که بزبانی که کتاب مذهبی آریائیهای هندوستان (ریگ ویدا) بدان نوشته شده تکلم میکنند Aryas میگویند و جاهائی را که این اقوام در شبه جزیره هندوستان فتح کرده سکونت اختیار نموده اند Aryavarta یعنی خاک آری ها یاد میکنند؛ مدققین و علمای عتیقه شناس سعی کردند تا اگر ممکن شود این کلمه را در اروپا هم پیدا کنند لهذا پس از یک سلسله غور و مذاقه کلمات Erin و Erenu را که اسم قدیم آئرلیند میباشد قریب بآن پیدا شدند و گفتند که کلمه Aire که در زبان آئرلیندی ها معنی (صاحب) ازان گرفته می شود نشانه بزرگی است برای صحت ادعای شات و علاوتاً در زبان گول و ژرمن هم با کلماتی تصادف نمودند که با کلمه Ario هم ریشه بود است و حق یک فرضیه احتمالی هم قائم نمودند گفتند احتمال دارد که کلمه (Aristos) که در زبان یونان مفهوم (علو و بلندی) را دارد هم از همین ریشه باشد.

علی الرغم تمام اینگونه مدعیات تمثیل لفظ آری در اروپا زیاد تر از ضمن حقیقت محتوی فرضیه های عندی (سوئزکتیف) علما است که شاید در محضر علم چند ان قیمتی نداشته باشد چه در زمان هائی که السنه هندی و ایرانی قدیم ترین السنه دنیا دانسته میشد این مدعیات مانند حقائق مسلمه پذیرفته میکردید ولی تحقیقاتیکه اخیراً علمای زبان در اطراف السنه بصورت مدققانه و عمیقانه تر انجام دادند لسانی را کشف کردند که مادر السنه شمرده می شود و معلوم شد که بقایای این زبان (که ما آن را ما در زبان ها گفتیم) که در آسیا موجود است

از اکثری از بقایای مذکور که در اروپا وجود دارد در بعضی از جهات زیاده تر
 فرق و تفاوت بهم میرساند و ازین جهت است که اکنون همان اوصاف قدیم
 و ابتدائی و عمومی که در کلمه آری ها وجود داشت طرف اشتباه قرار گرفت و
 ازین بعد کلمه که بتواند تمام شعب قوم آریا را دربر بگیرد کلمات (هندی -
 اروپائی) یا (هندی ، جرمن) مورد استعمال گردید .

این اسمائیکه غیر از در نظر داشتن اهمیت جغرافیائی دیگر حیثیتی ندارد
 از همه زیاده تر در مالیکه که ملل آت مرکب از نژاد ژرمن اند بیشتر مورد
 استعمال پیدا کرد و البته معلوم است که این اسم مخصوصاً کلمه (هندی ، جرمن)
 از تمام شعبیکه منسوب بقوم آریا میباشد بیک قوم آن اهمیت خارج از حقیقی
 القامیکنند لهذا علمائیکه منسوب به ملیت جرمن نبودند جهت رفع این نقیصه کلمه
 (هندی ، اروپائی) را ترجیح دادند و رو بهمرفته هر دوی این اسم با حقیقت
 علم موافقت دارد .

من وقتی میخواهم در اطراف لسان قوم آریا صحبت کنم کلمه (هندی - اروپائی)
 را استعمال میکنم ولی چون برای اینکه در عین بحث حق شعب دیگری را هم
 که در قوم آریا منتهی می شوند افعال نگرده باشم تعبیر (آری ها) را ترجیح میدهم
 و هر وقت این تعبیر را استعمال کردم مدلول آن اقوامی است که به السنه هندی
 اروپائی متکلم میباشد و مقضی است تا تمام اقوامی را که به لسان هند و اروپائی
 متکلم اند نباید آریا دانست زیرا این یک نوع خطائی است که اکثری از عتیقه
 شناسان بآن مبتلا شده اند و این خطا بدو قسمت منقسم می شود : اولاً بعضی
 از علما وحدت اسم را بوحدت عرق حدس زده اند و امروز ازین فکر اکثرأ
 اجتناب مینمایند دوم : با اینکه اقوامی را که مورد بحث میباشد میدانند که نژاد

آن ها مخلوط با نژاد خارج از آریا گردیده است. معیناً کلمه آری ها را با آن ها اطلاق مینمایند؛ این تمایل اکنون هم در بعضی از محافل علمی غلبه دارد.

موضوع اصلی مسئله آری عبارت از ایضاحی است که از نقطه نظر قرابت زبان در شعب قوم آریا به عمل میاید و اثبات این قرابتیکه در آل سنه شعب مختلفه قوم آریا وجود دارد یکی از اکتشافات بسیار اهمیت دارا این عصر دالته می شود زیرا این کشفیات مسائلی را در عالم علم رونما گردانیده که فوق الاماده موجب علاقه مندی و ولوله شادمانی است.

البته در قرن ۱۹ که قرابت السنه مختلف و متعدد شعب قوم آریا علماً بهم اثبات گردید طبیعی بود که درباره نژادها و تاریخ موجب وجود آوردن يك تعداد صورت حل و عقائد مثبتی گردد زیرا این مسئله موجب شد تا اتحاد زبان در بین اقوام نماینده و وحدت نژاد آن ها باشد و همین است که بعد ازین همه دانستند که تمام شعب قوم آریا از ریشه واحد و گهواره یکانه بیرون آمده رشد و نمو نموده اند و رفته رفته در مساکن فعلی خودشان اقامت اختیار کرده اند.

مهاجرت آری ها از مسکن اصلی شان یعنی علوم انسانی
علماً اینکه در زمینه تاریخ و السنه آریا تتبعات عمیقی دارند و میگویند و وطن اصلی این قوم قسمت غربی آسیای مرکزی بوده است ولی دلیل قطعی در دست نیست که کدام قسمت بوده است ولی بطور محقق میتوان گفت که این قسمت سرزمینی است که در بین بحیره خزر و کوه هندوکش وقوع دارد چه از بعضی از اساطیر ابران هم فهمیده می شود که میگفتند: مولد نژاد آن ها قطعه ایست که در قدیم به بنام Ractriaue یاد میشد؛ پس میتوان حکم کرد که در حوضه های

وسیع ابن حوالی در ابتدا يك نژاد متجانس و يك مدنیت آهنگدار و لسان واحدی بوجود آمده است ولی چون قوم مذکور به قبائل و عشائر مختلفی منقسم بوده هیچ يك بجا نمانست سیاسی درین ایشان وجود نداشت لذا در هر طرف وجوایب عشائر مذکور خصوصیت ها و امتیازات علیحده علیحده رونما شده ، مهاجرت های پیهمی نمودند تا اینکه باعث بوجود آوردن يك عده السنه و مدنیت ها و اقوامی شدند که اکنون - بنام (هندی - اروپائی) تسمیه کرده می شود ؛ این فرضیه را از همه زیاده تر و مقدم تر علمائی از قبیل : ما کس مولر ، فرنچو ویس ، له نور مانت اقامه نمودند و له نور مانت میگوید قطعه اروپا قبل از ورود اقوام آریا (عبارت از صحرا های وسیع غیر مسکون بوده است) .

بعد ازینکه این فرضیه علمای ثلاثه نامبرده شده بالا در اروپا شائع شد علمای تاریخ و عتیقه شناسان در صد د بر آمدند تا اولین مدنیت (هند و اروپائی) را بشرطیکه از ناحیه قرابت نژادی و لسان تصدیق شود و نتیجه نظریه فوق باشد بیابند ؛ این وظیفه را يك نفر از علمای متبحری مانند Raoul Pictet به عهده گرفت و برای تسهیل تحقیقات خود درین زمینه اصولی بنام (پالوتولوژی لینکوئیستیک) طرح نمود این اصول عبارت از اصولی بود که مطابق آن اثبات مینمود که بعضی از کلمات السنه هندی - اروپائی برخی از خصوصیت های مدنیت اولیه را نشان میدهد و امروز هم میتوان باین اصول پس از در نظر گرفتن قیودات اهمیت داد .

نتیجه که این عالم از تحقیقات خود حاصل کرد فکری را که میگفتند اولین کهواره مدنیت قطعه باکتریانه Bacteriane است نامید نمود و چندی بعد ازین شخص عالم دیگری موسوم به Fakat Schrader همین اصول را بطرز دیگری تعقیب نموده نتیجه دیگری گرفت .

بعضی از علما این اصول را در اساطیر قوم آری هم تطبیق دادند و تصور میکردند ممکن است باین صورت از دین و معتقدات این قوم هم اطلاعی حاصل کنند؛ اسم این اصول را درین مورد (اساطیر مقائسه‌ری) گذاشتند اگر چه این اصول در بدایت وضع مرغوبیت خوبی در انظار کسب کرد ولی بعد از چندی معلوم شد که هویت همان ارباب‌انواعی که این اصول در نتیجه تحقیقات خود بآن استناد مینمود بکلی غلط تشخیص داده شده بود.

تا واسط قرن ۱۹ عقیده اینکه اقوام آریا نژاداً از یک ریشه میباشند از نقطه نظر تحقیقات علم السنه کاملاً راسخ بوده است ولی رفته رفته در اثر زرقیاتی در رشته علم Ethnolgie « نژاد شناسی » رو داد مشاهدات جدید اثبات نمود که عائله آریا غیر از ترکیبیکه در ان علمای لسان بآن قائل شده بودند عبارت از انواع و شعب مختلف و علیحده میباشند درین وقت بود که علما در صد افتادند تا یک نژاد خالص و غیر مخلوطی از آریا دریا بند همین بود که اولاً اسم خالص و غیر مخلوط را به ملل شمال (اسکاندیناوی) اطلاق نمودند.

در سنه ۱۸۵۲ عالمی موسوم به Gobinau این فکر یعنی وجود یک قوم خالص آریا را با فراط رسانده عقائد غیر قابل تردیدی اظهار کرد و میگفت نژاد جرمن نژاد خالص آریا است و بواسطه اینکه تمام نجات ها و مزیات آریائی را حائز بود حکومت و مدنیت خود را بالای تمام اقوام و نژاد های دیگر اروپا قبولانید چه اقوام دیگر اروپای قدیم از اقارب نژاد های سیاه بوستان افریقا و زرد پوستها بوزده اند و چون قوم آریا باین نژاد مخلوط شد مزیات خود را کم کم فاقد و در تصفیة نژاد های موصوفه هم خدمت کردند و صرف نژاد خالص آریا در حصص شمال اروپا با همان مزیات اولیه خود باقی ماندند.

عالم مذکور در ضمن این تحقیقات خود بعضی از نتایج سیاسی و اجتماعی را هم
 انتظار میبرد یا به عبارتی دیگر تحقیقات علمی را به مفاد سیاسی استعمال میکرد این
 جهت نظریه مذکور در اذهان اهالی آن وقت اروپا مستوجب تائیدی نگردیده
 نظریه مذکور را فرضیه عجیب و غریبی شمردند؛ در همین وقت بود که دو علم دیگری
 را برای تسهیل تحقیقات تاریخی اساس گذاشتند تا در سایه این دو علم به نتایج
 مثبت تری واصل شوند (آنتولوژی و آنترپولوژی) ظهور این دو علم که مظهر
 معاونت علم ما قبل التاریخ موضوعه عالمی موسوم به (پرنس) هم میشد تحقیقات
 نژاد های السالی را وضوح و صراحت جدیدی بخشید زیرا دو علم اول الذکر در منشا
 نژاد ها و علم سوم (علم ما قبل التاریخ - پره هشتیوری) در تعیین منشا مدنیت
 ها و تکامل آنها خدمت خوبی به معلومات و معارف بشریت نمودند. این علوم را
 علمای فرانسه صرف از نقطه مادی یعنی مشاهده عناصر ماده مدنیته ها تحقیق
 و تتبع نمودند زیرا علمای فرانسه موضوعات تاریخ و السنه را هم با اصول موضوعه
 علوم مذکوره بکمال اعتنا تطبیق میدادند ازین جهت در مملکت فرانسه در زمینه
 تحقیقات قوم آریا يك مدت طویلی تنها علمای علم السنه اشتغال میورزیدند اما
 در ممالک دیگر اصول و سنخ تحقیقات چنین نبود چه علمای ممالک دیگر همان نتایج
 اولیه را که از علوم مذکوره فوق حاصل میکردند استناد گاه تحقیقات خود را قرار داده
 بذریعه نتایج مذکوره مسائل متعلقه لسان آریا را حل میکردند چه علم ما قبل
 التاریخ نشان داد که يك مدت طویلی قبل از اسکان قوم آریا در صحف اروپا
 مردمان بسیاری زنده گانی میکردند و از طرف دیگر بمدد علم آنترپولوژی
 معلوم شد که مردمان منسوب به عصر حجر در اروپا همه نیاکان اهالی بومی امروزه
 اروپا بودند

باقی دارد